گزارش + هنر

بزرگداشت حکیم طوس در اصفهان

بررسی اجمالی تاریخ در خصوص زندگی استاد طوس، حکیم ابوالقاسم فردوسی نشان می‌دهد که او در قبال خدمت سی ساله‌ای که به فرهنگ و ادب پارسی کرد، هیچ پاداشی دریافت نکرد و صائب، آن است که یادآور شویم این خدمت تا پایه‌ای است که بسیاری از اندیشه‌ورزان و زبان‌شناسان فارسی، او را منجی این زبان از انحطاط می‌دادند. به گزارش ایمنا، هیچ‌کس نخواهد دانست که فردوسی در لحظات پیش از مرگش، در چه اندیشه‌ای بوده یا اگر کمی پا را از گلیم فراتر بگذاریم، می‌توان ادعا کرد که هیچ‌کس نخواهد دانست که او از چنین خدمتی که به قیمت جوانی و ثروت خندانش تمام شد، خشنود بوده است یا خیر، اما می‌توان یقین داشت که در شرایطی خیالی، اگر فردوسی در میان ما بود، با دیدن خیل عظیم علاقه‌مندان و بهره‌وران اثر سترگ خویش، شاهنامه، تمامی زحمات گذشته و فداکاری‌هایش را با لبخندی برلب به فراموشی می‌سپرد. در ۲۴ اردیبهشت ماه، به رسم نیکوی هرسال، بزرگداشتی با حضور اساتید و همچنین علاقه‌مندان به شاهنامه در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی اصفهان برگزار شد که خوشبختانه برخلاف بسیاری از نشست‌های ادبی طول سال، با مخاطبان بسیاری مواجه شد که در نوع خود، کم‌نظیر بود. این نشست با یادواره‌ای از استاد جمشید مظاهری که برای بسیاری از اهالی فرهنگ، با نام جمشید سروشیار شناخته شده بود، برگزار شد و فضای آن، از ابتدا تا لحظات آخر، با یاد نیک و پرآوازه این استاد فقید همراه بود. در آغاز این گردهمایی فرهنگی، حضار با گوش سپردن به صوتی که از استاد سروشیار به جامانده، یاد و خاطره او را زنده کردند و پس از آن، توجه خود را به سخنرانی جویا جهانبخش، محقق و پژوهشگر غیردانشگاهی و با این حال پرآوازه و تاثیرگذار در حوزه شاهنامه‌پژوهی معطوف کردند.

در کمال شگفتی، برخلاف انتظار عمومی حضار، جهانبخش صرفا به بازگو کردن خاطرات شخصی با مرحوم سروشیار پرداخت که با این حال، خالی از لطف نبود. او با ذکر خاطره‌ای، حضور استاد نواب در کتابخانه آکسفورد و، قیاس معلومات آن استاد فقید با این کتابخانه، ارج و اعتبار او را در حوزه ادبیات فارسی به حضار خاطرنشان کرد. سخنرانی بعدی که بیشتر با موضوع محوری جلسه همخوانی داشت که البته این مولفه، لزوما به معنی موافقت جمعی حضار با مفاد این سخنرانی نبود، به دکتر علی‌اشرف صادقی اختصاص داشت.

> اگر فردوسی در میان ما بود، با دیدن خیل عظیم علاقه‌مندان شاهنامه، تمامی فداکاری‌هایش را به فراموشی می‌سپرد

این استاد برخلاف حضور بسیاری از فعالان و اساتید بزرگ حوزه شاهنامه‌پژوهی، از جمله مصطفی جیحونی، دکتر سجاد آیدنلو و دکتر رضا ضیا در این جلسه، به ذکر نکاتی پرداخت که یا برای متخصصان این حوزه، بدیهی و مبرهن بود یا محل بسیاری از مناقشات. در این خصوص، نارضایتی بسیاری از این حضار از چهره‌هایشان به سادگی قابل درک بود.

در پایان این سخنرانی نه چندان موفق، خسرو احتشامی به دعوت مجری برنامه روی صحنه آمد تا با خوانش شعر قابل ستایشی با مضمون مدح استاد طوس به ادای دین به این قله ادبیات حماسی بپردازد. این شعر که به قیاس حکیم طوس با سخنوران نامی جهان پرداخته بود، از دقتی در بلاغت و صناعات ادبی برخوردار بود که رضایت این قشر فرهیخته از جامعه را به دست آورد.

در ادامه، دکتر نغمه دادور با ایراد سخنرانی غرایی در خصوص رفتار حکام در طول تاریخ در قبال شاهنامه، اطلاعات ارزشمندی را از پژوهش‌های اخیرش در اختیار مخاطبان خود قرار داد. نکات بسیار ارزشمندی در این سخنرانی مطرح شد که مشتمل بر رفتار ضد و نقیض حکام در دوره‌های مختلف تاریخی در قبال این شاهکار هنری بود. خوانش غریبی از شاهنامه با عنوان نقالی از داستان رستم و اشکبوس توسط ابراهیم احمدی نیز بخش بعدی برنامه بود که اجرایی پراسترس و ناموزون قلمداد می‌شد.

پس از این اجرای دلسردکننده از شاهنامه، جمعیت، پذیرای مظفر احمدی، محقق شاهنامه شد. این سخنرانی نیز نتوانست به اقناع جمعیت ادب دوست اصفهانی کمکی کند و علت این مطلب را می‌توان به تلاشی ناموفق در تطبیق شاهنامه با نظریاتی برخاسته از دیگر فرهنگ‌ها بدون ارائه دلایل موثق و متقن برای این هم‌پوشانی‌ها جست. پس از این سخنرانی نیز مسئولان برنامه، ترتیب یک نقالی دیگر را برای حضار داده بودند که این مهم بر دوش ماندانا رضایی، هنرمند نوجوان قرار گرفته بود. این اجرا نیز با توجه به تجربه این هنرمند جوان با استرس بسیاری همراه بود و در نهایت به جلب رضایت حاضران منجر نشد.

در نهایت این جلسه، مسئولان با اقدامی هوشمندانه، دکتر سجاد آیدنلو را برای ایراد سخن به صحنه دعوت کردند. آیدنلو با ایراد نطقی پرشور، مستند و مستدل توانست شور و نشاط از دست رفته حضار و همچنین افت شدید جلسه پس از نقالی نخستین را تا حد چشمگیری جبران کند. این محقق پرآوازه در اقدامی جالب به انتخاب موضوع تازه‌ای در حوزه شاهنامه، تاثیرپذیری شاهنامه از فضای مجازی، با ذکر دلایل بسیار و ارائه مدارکی قابل قبول در این زمینه، به بررسی آفات فضای مجازی در انتشار صحیح شاهنامه و به بیانی ساده‌تر تحریف این اثر در باورعامه پرداخت.

با پایان این جلسه، حضار علاوه بر یادی مجدد از اسطوره ادبیات ایران، جمشید سروشیار پرداختند و یادنامه‌هایی که توسط نشریه «دریچه» به چاپ رسیده، در اختیار علاقه‌مندان بسیار این ادیب بزرگ گذارده شد تا به مطالعه هرچه دقیق‌تر آنها و به تبع آن، شناخت بهتر از این استاد بپردازند.

«برنایان جاودان»، سهراب و سیاوش و اسفندیار

برخوانی محمود دولت‌آبادی از «شاهنامه» فردوسی

در آستانه بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی، محمود دولت‌آبادی از انتشار تازه‌ترین کار خود با عنوان «برنایان جاودان» خبر داد؛ کاری که شامل برخوانی سرگذشت سهراب و سیاوش و اسفندیار در «شاهنامه» است. به گزارش ایسنا، این نویسنده پیشکسوت درباره این کار خود که در قالب یک پروژه صوتی به همراه کتاب منتشر خواهد شد، گفت: «برنایان جاودان» از «شاهنامه» فردوسی به مقوله جوان و جوانی در تاریخ ادبیات ایران پرداخته و اینکه چگونه جوانان، قربانی جاه‌طلبی پیران از جمله پدرانشان می‌شوند.

او که گزینش، ویرایش، تومار و برخوانی این سه شخصیت جوان «شاهنامه» را برای تازه‌ترین کارش انتخاب کرده است، اظهار کرد: از نظر من ویژگی این سه شخصیت زلالی و جوانی آنهاست در مقابل رفتارهای خسیسانه پیرانه‌سرانی در «شاهنامه» که حاضرند برای بقای بیشتر، جوانان را طعمه و قربانی سیاست‌های خود کنند. من می‌توانستم «بیژن» یا «فرود» را هم برای این کار انتخاب کنم اما فارغ از اینکه پرداخت شخصیت سهراب و سیاوش و اسفندیار در «شاهنامه» کامل‌تر است، آنها سرنوشت مهم‌تری به نسبت دیگر شخصیت‌ها دارند و برای این کار مناسب‌تر بودند. محمود دولت‌آبادی که پیش‌تر هم تجربه و شانس شنیدن داستان «بردار کردن حسنک وزیر» از کتاب «تاریخ بیهقی» را در اختیار علاقه‌مندان متون ادبی کلاسیک قرار داده، درباره

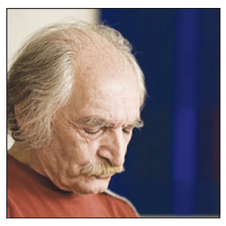

زمان انتشار این کار گفت: در حال حاضر فرهاد دولت‌آبادی به عنوان مدیر اجرایی پروژه مشغول رایزنی برای تدارک انتشار این سه‌گانه است تا داستان سهراب در سال جاری منتشر شود و بعد از آن داستان سیاوش به دست خواهد آمد و سپس اسفندیار. این نویسنده درباره همکاری‌اش با کیاوش صاحب‌نسق، آهنگساز این کار، گفت: امتیاز این آهنگساز این بود که آشنایی خوبی با سازهای بازسازی‌شده ایران باستان داشت و درباره این سازها پژوهشی دقیق انجام داده بود و برای این کار هم از این سازهای کمتر شنیده‌شده استفاده کرد. او در ادامه اظهار کرد: درباره موسیقی این سه‌گانه ارباب موسیقی باید صحبت کنند و امیدوار هستم که به او دست مریزاد بگویند، اما به گمان من توفیق خوبی به دست آمده و کاری مدرن و نو بر این اثر کهن انجام شده است.

دولت‌آبادی همچنین درباره طراحی گرافیک و نوع صفحه‌آرایی «برنایان جاودان» گفت: ایمان صفایی به عنوان گرافیست در این کار با من همکاری داشت که قدردان زحمت، دقت و عشقی که برای این کار گذاشت، هستم.

این نویسنده در پایان بیان کرد: خوانش درست «شاهنامه» و ارائه «برنایان جاودان» فرصتی است تا متون کلاسیک که بخش عمده‌ای از فهم آثار ادبی را شامل می‌شود در اختیار علاقه‌مندان و جوانان قرار گیرد.

جنگ در گیسوی یار!

مریم معینی، نویسنده متفاوت جنگ، هنوز می‌پرسد چه کسی باید افتخار کند؟

عادل امیری

مریم معینی، یکی از نویسندگان کوشایِ کهن‌ترین شهر نوین ایران است که به تازگی رمان «من عاشق افسانه نیستم» را راهی بازار کتاب کرده است. باید هوشیارتر از معمول باشم تا صدای بانوی نویسنده نجف‌آبادی، از واقعیت مجازی سیم‌های پیام، به واقعیتِ مکتوب کلام درآید و در مقابل چشمان مخاطب جان بگیرد. انتشار رمان پیشین او، «چه کسی باید افتخار کند؟» با درون مایه‌ای آسیب شناسانه در رویکرد به جنگ و مسائل مرتبط با آن، به جامعه ادبی اصفهان و ایران خبر از ظهور نویسنده‌ای داده است که جَنگِ جنگ را در زندگی روزمره می‌بیند. او به خود جنگ نمی‌پردازد، بلکه با نگاهی تیزبین، تحلیلی و پدیدارشناسانه، به گذشته، حال، آینده و حالِ دگرگون سازِ چنگ جنگ در گیسوی روزگار می‌پردازد.

نویسنده‌ای که مادرِ مادر است

صدای بانوی پشتِ خط، صدای مادری است که می‌نویسد. مادری که مادرِ مادر است و عاشق نوشتن. مادری که قریب به یک دهه است در حیاطِ منزلش در نجف‌آباد، از حیات می‌نویسد و از جوانه‌هایِ جنگی که جوانه‌های زندگی را در دو سوی شط سوزاند یا بارور کرد. شوق مثال زدنی او برای نوشتن تا آنجاست که او را از این کشف و جست‌وجو، سرمست کرده است. این سرمستی اما حاصل کدام باده است که داستان را به اساسی برای زندگی او مبدل ساخته؟

زندگی داستانی یک زن

مریم معینی، متولد ۱۳۴۰ در نجف‌آبادِ اصفهان و فارغ‌التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی است اما به گفته خودش، داستان در آن مقاطع زمانی برایش توجه درخورِ تحسین اکنون را نداشته است. حالا معتقد است: زندگیَ همگی ما داستان است. داستانی که از کنار آن می‌گذریم. این گذر و گذار معمولی اما، برای معینی تنها به مثابه راهی برای رفتن نبوده است.

او می‌گوید: با خودم گفتم اولین روزی که بتوانم بنویسم، قصه جنگ را می‌نویسم. با خودم گفتم قصه‌ای می‌نویسم که کسی تا به حال به آن فکر نکرده باشد و فکر می‌کنم تا همین حالا هم در این زمینه به زنان، بچه‌ها و گوشه‌هایی که هرگز ندیده‌ایم، توجه نشده است.

زن در جامعه پساجنگ

شاید در نگاه اول همه چیز ساده باشد یا اینکه باید اینگونه‌اش پنداشت: زنی که می‌نویسد. ویژگی مریم معینی اما چیزی بیش از این تعریفِ عمیق است، زیراَ نوشتن، تنها صفتی برای نامیدن او نیست، بلکه سندِ هویت زنِ نویسنده نجف‌آباد امروز است که به گفته خودش زمانه او همچنان می‌پندارد که او باید مانند زنی روستایی سبزی بچیند، زردآلو و آلوچه گِرد کند و تنگِ عصر بنشیند توی کوچه کنار هم‌نسلانش، تخمه بشکند و از در و بی در بگوید.

او اما صلیبش را به تنهایی به دوش می‌کشد. قاطعانه می‌گوید که از کسی توقعی ندارد، او تنها می‌خواهد آنچه را دیده و شنیده، به جامعه پساجنگ نشان دهد. جامعه‌ای که او نیز هم اکنون در صف شهروندانِ ارشد آن قرار دارد و دیده‌ها و شنیده‌هایش می‌تواند نخیِ از کلاف واقعیتی را که در آن زندگی می‌کنیم، بشکافد.

خانواده او تنها مانده

مریم معینی، پس از تجربه موفقِ سفرنامه نویسی‌اش، در پرشی بلند به ساحت رمان «چه کسی باید افتخار کند؟» پا می‌گذارد. رمانی با پس زمینه جنگ و زنان بعد از جنگ. او می‌گوید: برای من محوریت داستان این نبود که از قهرمانی‌های رزمندگان بنویسم. داستان از این قرار بود: رزمنده‌ای به شهادت رسیده و خانواده او تنها مانده.

اولین اثر حرفه‌ای معینی، با اقبالی نسبی روبه‌رو شده و بازخوردهای خوبی را برای وی به همراه می‌آورد. جلساتی برای نقد و بررسی اثر برگزار شده و یادداشت‌هایی درباره «چه کسی باید افتخار کند؟» در مطبوعات به چاپ می‌رسد و جوایز مختلفی را نیز نصیب نویسنده‌اش می‌کند. این اثر همچنین به خاطر نگاه نو، سوژه مناسب و پرداخت ماهرانه داستان تحسین شده است.

به راستی چه کسی باید افتخار کند؟

نام این رمان، با هوشمندی بسیاری از سوی نویسنده انتخاب شده است. چه کسی باید افتخار کند؟ تو گویی نویسنده خود و مخاطب را ضمن سوالی استفهام‌آمیز که ممکن است حتی حالت انکاری به خود بگیرد، به چالش می‌کشد.

نویسنده اثر بر این باور است که با طرح این سوال، مخاطب خود به پاسخ شخصی خود می‌رسد. این پایان باز از آن رو حائز اهمیت است که نویسنده حتی حاضر به اعمال نظرات و نظریه‌های خود و دیگری در این اثر نبوده، بلکه بیش از هر چیز پایبند حقیقتِ داستان بوده است: «رزمنده‌ای به شهادت رسیده و خانواده او تنها مانده.»

فشار عصبی

رمان «چه کسی باید افتخار کند؟» در ۲۴ فصل نوشته شده و داستان از جایی شروع می‌شود که مراسم تشییع پیکر شهید داستان به پایان رسیده، اطرافیانِ مجلس اندک اندک رفته‌اند و زن مانده است و فرزند و سال‌هایی که باید صرف ترمیم هویت جدید آنها شود.

معینی می‌گوید: وضعیتِ بغرنجی است. آنها در هیچ یک از دورهمی‌های سنتی جامعه اکنونی پذیرفته نمی‌شوند، در مهمانی‌ها و عروسی‌ها، صندلی خود را از کف داده‌اند و گویی همیشه میان انسان‌ها سرگردان هستند.

این رمان، از ایده تا اجرا دست کم یک سال و نیم به طول می‌انجامد و به قول معینی با سختی بسیار پیش می‌رود. او می‌گوید: فکر می‌کنم چون خودم هم زن بودم، خیلی از جاهای داستان به قدری درگیر ماجرا می‌شدم که فشار عصبی اجازه پیشروی نمی‌داد.

ارزش کار او در این رمان علاوه بر ویژگی‌های سبکی و ادبی، به اطلاعات پژوهشی، تحقیق‌های میدانی، مصاحبه‌ها و اسناد بسیاری است که در قالب تاریخ شفاهی ضبط شده و مواد خام «چه کسی باید افتخار کند؟» را به وجود آورده است.

ادبیاتِ حساسِ جنگ

دردسرِ همیشگی کتاب اول تازه از زمانی شروع می‌شود که نویسنده نجف‌آبادی کتابش را از ناشری به ناشری دیگر می‌گرداند، ولی به دلیل آن نگاه نو به مقوله حساس ادبیات جنگ و شاید ترس آدمی از ناشناخته، آنگونه که انتظار می‌رود، از سوی ناشران پذیرفته نمی‌شود و سرانجام نویسنده پس از یک سال و نیم معطلی، با انتشارات شاهد وارد مذاکره می‌شود.

رویکرد آنها به این مقوله اما، رویکردی آرمانگرایانه بوده است و در تضاد با خواست نویسنده که «می‌خواسته واقعیتِ سخت و صلب جنگ را نشان بدهد.» وی می‌گوید: کتاب را به خانه آوردم و حاضر نشدم حتی یک کلمه از آن کم و زیاد شود.

همین موضوعات به اضافه جوانه‌های دیده شدن، باعث می‌شود تا معینی برای چاپ اول اثر با انتشارات نوقلمان همکاری کند و هم اکنون نیز چاپ دوم آن به همت انتشارات سوره مهر، منتشر خواهد شد.

من عاشق افسانه نیستم

«من عاشق افسانه نیستم» دومین رمان مریم معینی نیز همچنان در ادامه کنکاش‌های او در روایات جنگ است. رمانی خوشخوان و خوشنام که مانند «چه کسی باید افتخار کند؟» استفهام انکاری خود را در اعماق جنگ دنبال می‌کند. این اثر که به همت انتشارات انجمن قلم ایران به چاپ رسیده، دارای ۴ فصل و ۲۰۲ صفحه است و جوایز بسیاری از جمله جایزه ادبی اصفهان، جایزه ادبیات آیینی قزوین و... را نصیب نویسنده کرده است.

در این رمان، سفری به «فاو» خواهیم داشت. سرزمینی که نام آن پیش از جنگ، شاید کمتر به گوش کسی خورده بود، اما به دلیل موقعیت استراتژیکش در جغرافیای سیاسی ایران، به یکی از نقاط عطف جنگ مبدل شد.

خودم هستم

معینی درگیرو دارِ خواهشِ نوشتن، در یک نشست با ایده «من عاشق افسانه نیستم» ملاقات می‌کند. او می‌گوید: نمی‌دانم چطور از اصفهان به نجف‌آباد رسیدم. چندین بار در کوچه‌ها و خیابان‌ها گم شدم، آدرس خانه‌ام را گم و پیدا کردم و رسیدم و نشستم به نوشتن: «داشتیم فاو را پس می‌گرفتیم که گردان کمکی رسید و شهید شد. چهل و پنج روز زنده ماندم و بعد، زدم به آب.»

رزمنده ۱۷ ساله پای پیاده به وطن باز می‌گردد. ۱۸ سال بعد، یکی از فرماندهان گردان او را در خیابان می‌بیند و شک می‌کند و داستانِ رزمنده ۱۷ ساله را برای مرد ۳۵ ساله روایت می‌کند. او می‌گوید: خودم هستم. و داستانِ «من عاشق افسانه نیستم» از دلِ فاو متولد می‌شود. به قول نویسنده: با خودم گفتم گذشته و آینده این اتفاق چه می‌تواند باشد؟

فاو پیش از جنگ

نویسنده، افسانه ناعاشقانه اش را ادامه می‌دهد و می‌گوید: پرهیبِ اثر را در ذهن داشتم و حسش می‌کردم می‌نوشتمش، ولی جورچین روایت کامل نمی‌شد. بنابراین اثر وارد فاز مطالعات میدانی و کسب اطلاعات زیستی و محیطی جو داستان می‌شود و سودای شنیدن وقایع از زبان راویان محلی، او را به جست‌وجوی ساکنانِ فاوِ پیش از جنگ وا می‌دارد.

او می‌گوید: رفتم و بسیاری از ساکنان کناره اروند را پیدا کردم و با آنها مصاحبه کردم. می‌خواستم محیط را بشناسم و ببینم که چطور نخلستان‌ها آبیاری می‌شود، مردم فاو چطور به زندگی نگاه می‌کنند و روزمرگی زیست انسانی در آنجا چگونه است.

او پس از جمع‌آوری داده‌های محلی و میدانی، به سراغ آرشیوهای مکتوب و تصویری می‌رود. کتاب‌های بسیاری می‌خواند و می‌نویسد و می‌نویسد، تا رمان از آب اروند در می‌آید و بسیاری هم آن را در آب و برآب می‌بینند و می‌خوانند، از جمله ابوتراب خسروی که فوتِ آخر داستان را بر این افسانه ناعاشقانه می‌دمد تا جانش به تمامی کامل شود.

معینی ادامه می‌دهد: با آقای ابوتراب خسروی تماس گرفتم و داستان رمان را برایشان تعریف کردم. گفتند غلط از آب در می‌آید، از آخر بیا به اول. نویسنده نوقلم پنداستاد را به کار می‌بندد و سه سال عرق ریزی روحی در حیاط خانه خانم معینی به پایان می‌رسد.

اصلاحات در ادبیات جنگ

این اما اول ماجرایِ رمان دوم است. نویسنده شهرستانی در میان ناشرانِ توقیفی تهرانی هنوز به نامی آشنا مبدل نشده، اوضاع بازار نشر هم طبق معمول رو به وخامت است، چشمه نمی‌پذیرد و روزنه امتناع می‌کند و نویسنده می‌ماند و کتابش و انتشارات سوره و جریان اصلاحات در ادبیات جنگ.

معینی می‌گوید: اسمِ اصلی رمان شبِ سگی بود اما تغییرش دادند.

زندگی بدون داستان مسخره است!

مریم معینی، نویسنده ای کنجکاو و جزء پرداز و نکته‌سنج و همیشه قلم به دست است و به قول خودش« سنسورهایی بسیارقوی» دارد. او در اجتماعی که با آن و در آن زندگی می‌کند به دنبال تفاوت‌هاست. تفاوت‌هایی که بتواند بار روایت داستان‌های او را بر دوش خود حمل کند. با این حال، وقتی از او می‌پرسم که هیچ وقت فکرش را می‌کردی نویسنده شوی، با خنده می‌گوید: حتی فکرش را هم نمی‌کردم. شاید نباید بگویم اما با اینکه دبیر ادبیات بودم، به زبان ساده فکر می‌کردم داستان یک چیزِ مسخره است، حالا اما فکر می‌کنم زندگی بدونَ داستان مسخره است! اصلا زندگی همه ما خودِ خودِ داستان است، ولی حیف که ساده از کنارش می‌گذریم. ما داستان‌های خودمان را نمی‌شنویم و هر روز تنهاتر می‌شویم، باور کنید کافی است تا لب از لب بردارید.

شکستنِ سکوتِ زن بودن

شاهد مثالِ شکستنِ سکوتِ سنگین زن بودن در جامعه ای که هنوز به ساختارها و تعاریف سنتی خود دلبسته است، قصه‌ها و قصه گویی‌های مریم معینی است. نویسنده ای که با هوشی سرشار در آستانه دهه ششم عمر، در موسسه فرهنگی افسان سرا، برای پیرو برنا و جوان و میانسال و به خصوص کودکان، قصه‌های شیرین و جذابی تعریف می‌کند، تا آدم‌های شهرش هر روز تنهاتر نشوند.

معینی از فاصله ای معین نسبت به سوژه مانند شاهدی غیرمداخله گر ایستاده و آسیب‌های جنگ را روایت می‌کند و با ایمانی بی‌مثال در صدایش می‌گوید: من مطمئنم که صد سال دیگر به این برهه از تاریخ نگاه می‌کنند و آن موقع می‌فهمند که داستانِ جنگ را چه کسانی نوشته‌اند. مدعی نیستم که نویسنده خوبی هستم اما تمام تلاشم را می‌کنم. به واقع اینکه چطور نویسنده ای هستم، به عهده متن و مخاطب است. من کاری را که باید انجام بدهم، انجام می‌دهم و حتی دیگر به این معضل فکر نمی‌کنم که هیچ کسی یک نویسنده را به عنوان انسانی متفاوت قبول ندارد! به جای آن، به زندگی و هستی خودم، از سنگِ کفِ کوچه تا انسان‌هایی که با آنها آشنا می‌شوم، عشق می‌ورزم و باوردارم که همین عشق ورزی است که به من انرژی نوشتن و زندگی کردن می‌دهد.

> ارزش کار معینی در این رمان علاوه بر ویژگی‌های سبکی و ادبی، به اطلاعات پژوهشی و تحقیق‌های میدانی است

احساس می‌کنم در جاده ای بی‌نهایت بکر و زیبا قدم می‌زنم، بی آنکه به پشت سرم نگاه کنم.

اخبار + کتاب

جایزه کتاب سال بریتانیا در دستان نویسنده تازه‌کار

جوایز کتاب سال بریتانیا در بخش‌های مختلف برندگان امسال خود را معرفی کرد. در این بین جایزه بهترین کتاب سال به گیل هانیمن، نویسنده تازه کار انگلیسی با رمان «النور اولیفنت خیلی خوب است» رسید. به گزارش ایبنا، رمان «النور اولیفنت خیلی خوب است» نوشته گیل هانیمن توانست عنوان کتاب سال بریتانیا را کسب کند. این رمان داستان زنی را روایت می‌کند که با مشکلات تنهایی و افسردگی روبه‌روست. هانیمن در ۴۰ سالگی نویسندگی را آغاز کرد. او پیش از تبدیل شدن به یک نویسنده تمام وقت در مشاغلی مانند خدمات اجتماعی و کارمندی در دانشگاه کار می‌کرد و داستان‌هایی که پیش از رمان «النور اولیفنت خیلی خوب است» منتشر کرد، هیچ کدام موفقیت چشمگیری به دست نیاورده بودند.

هانیمن می‌گوید این رمان را در اوقات فراغت خود در شهر گلاسکو نوشته و پس از اتمام آن هشت ناشر برای چاپ آن درخواست دادند. براساس آمارهای منتشر شده این کتاب در سال ۲۰۱۷ حدود ۴۵۰ هزار نسخه در ۳۰ کشور دنیا فروخته است. از دیگر برگزیدگان جایزه کتاب ملی بریتانیا می‌توان به فیلیپ پولمن، نویسنده مشهور انگلیسی اشاره کرده که حضور پررنگی در فهرست نهایی جایزه داشت. فهرست کامل برندگان جایزه کتاب بریتانیا در سال ۲۰۱۸ به شرح زیر است:

- **بخش بهترین داستان:** «ذخیره ۱۳» نوشته جان مک گرگور (انتشارات فورث استیت)
- **بخش بهترین نویسنده تازه کار:** «النور اولیفنت خیلی خوب است» نوشته گیل هانیمن (انتشارات هارپرفیکشن)
- **بخش بهترین داستان جنایی و تریلر:** «خشک» نوشته جین هارپر (انتشارات آباکوس)
- **بخش بهترین اثر مستند-روایتگری:** «چرا دیگر با سفیدها درباره نژاد صحبت نمی‌کنم» نوشته رنی ادو-لوج (انتشارات بلومسبری سیرکاس)
- **بخش بهترین اثر مستند-سبک زندگی:** «پنج طیف» نوشته جیمی اولیور (انتشارات مایکل جوزف)
- **بهترین کتاب کودک:** «کلمات گمشده» نوشته رابرت مک فارلند با تصویرگیری جکی موریس (انتشارات پنگوئن)
- **بهترین کتاب صوتی:** «زیبای وحشی» نوشته فیلیپ پولمن با صدای مایکل شین (انتشارات رندوم هاوس)

این جوایز از سال ۱۹۹۰ توسط فرد نیومن بنیانگذار «خبرهای نشر» برای گرامی داشت دستاوردهای سال در زمینه صنعت نشر اهدا می‌شود. انتخاب نویسنده سال از میان مجموعه‌ای از نامزدها که توسط ناشران معرفی می‌شوند، صورت می‌گیرد. داوران در عین توجه به میزان فروش یک کتاب، به حمایت نویسنده در توجه به فروش کتاب نیز توجه دارند.

جلد دیگری از تذکره‌های فارسی منتشر شد

بخش شاعران دارالسلطنه قزوین از تذکره «خلاصة‌الاشعار و زبدة‌الافکار» به تصحیح و تحقیق سعید فرمانی منتشر شد. به گزارش ایسنا، این تذکره که مفصل‌ترین و گسترده‌ترین تذکرة عمومی تاریخ ادبیات فارسی شمرده می‌شود، از یک مقدمه، چهار فصل ابتدایی، چهار رکن، مقدمه خاتمه، و خاتمه‌ای مبتنی بر ۱۲ اصل تشکیل شده است که هر اصلی از این اصول به ناحیه جغرافیایی خاصی اختصاص دارد و معرفی شاعران هم‌روزگار مولف را شامل می‌شود. میرتقی‌الدین کاشانی، مولف این تذکره، از نویسندگان عهد صفوی، حدود سال ۹۵۶ هق در کاشان دیده به جهان گشود. درگذشت او را نیز حدود سال‌های ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۴ هق نوشته‌اند. او از شاگردان محتشم کاشانی بود و در شعر، «ذکری» تخلص می‌کرد. میرتقی‌الدین به سبب همت والایش در تدوین چنین اثر ماندگاری از همان دوران به «میرتذکره» شهرت یافت. تقی کاشی تذکره عظیم خود را که مهم‌ترین اثرش محسوب می‌شود، حدودا در ۴۰ سال بین سال‌های ۹۷۵ تا ۱۰۱۶ هق تالیف کرده است. این بخش از تذکره که با تلاش سعید فرمانی، شاعر و پژوهشگر، به دست مخاطبان ادبیات فارسی رسیده، به ذکر شاعران دارالسلطنه قزوین پرداخته است. در این کتاب میرتقی کاشانی ۲۵ شاعر از شاعران قزوین را که نیم قرنی در آن روزگار پایتخت ایران زمین بوده، معرفی کرده و بیش و کم گزیده‌ای از اشعار هر کدام را آورده است. تا جایی که می‌دانیم، دیوان هیچ یک از شاعرانی که نامشان در این اصل آمده، یا تا به حال یافت نشده یا اگر دیوان موجود است، تصحیح و چاپ نشده است.

«در ستایش امر واقعی» منتشر شد

«در ستایش امر واقعی» شامل گزیده متن‌هایی درباره هنر و عکاسی است که از مهدی مقیم نژاد در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ در قالب تالیف یا ترجمه، به چاپ رسیده است. به گزارش مهر، این کتاب با رویکردی تحلیلی به موضوعات مختلف در هنرهای تجسمی، از طراحی و نقاشی گرفته تا هنرهای چندرسانه ای، پرفورمنس و لایت آرت می‌پردازد هرچند که محوری ترین بحث هایش درباره عکاسی است. کتاب از نظر قالب های نوشتاری به دو جلد تقسیم می‌شود: جلد اول به مقالاتی نظری اختصاص دارد که عمدتا قالب پژوهشی دارند و جلد دوم به شکل مصداقی درباره هنرمندان و آثار هنری معین است و در این زمینه از قالب هایی چون مطالب مروری، مقدمه کتاب، گفت‌وگو و مطالب آزاد بهره گرفته شده است. اگر نخستین و واپسین مطلب این کتاب را درباره موضوع مشترک «طراحی» در نظر گیریم روند نوشتاری متون آشکار می‌شود؛ حرکتی از مقالات نظری مفصل به سمت گفتارهایی کوتاه و شخصی.